

پژوهشی در محورهای اساسی اشکالات در قلمرو اعجاز عددی قرآن

* حیدرعلی حقوقی

** کریم عبدالملکی

*** روح‌الله محمدی

چکیده

قرآن کریم معجزه‌ای جاوید برای هدایت بشر است. یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن که تا اندازه بسیاری متأثر از رایانه و برنامه‌های نرم‌افزاری است، اعجاز عددی آن است. موضوعی که بسیاری از قرآن‌پژوهان بدان پرداخته‌اند و باعث شکل‌گیری بحث‌ها و دیدگاه‌های موافق و مخالف فراوانی در این باره شده است. از آنجا که سروکار محقق در اعجاز عددی با شمارش حروف، کلمات، آیات و سوره‌هاست و بدین صورت به نتایج موردنظر دست می‌یابد، ضروری می‌نماید که اشکالات وارده به دقت بررسی شود تا درستی و نادرستی گفتار مخالفان روشن گردد. پژوهش پیش‌رو، با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای در پی تحقق این هدف نگارش یافت. ارائه نظریه برپایه گزینش دیدگاه خاص در مسائل اختلافی در علوم قرآن، پایبند نبودن به اصول و روش‌های پذیرفته‌شده، پیروی نکردن از قواعد منطقی و بیان نتایج اغراق‌آمیز، جزء مهم‌ترین ایرادات وارده است. بنابراین انتظار اعجاز عددی از قرآن، توقعی نابجاست و نمی‌توان پذیرفت که خداوند با بندگان خود از راه رمز و معما سخن گفته باشد و اساساً با بیان قرآن در تضاد است؛ زیرا قرآن خود را کتابی روشن و پرمحتوا معرفی می‌کند، نه کتابی اسرارآمیز و معماگونه! **کلیدواژه‌ها:** اعجاز عددی، اعجاز علمی، قرآن، معجزه.

* . دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

hoghghi@gmail.com

** . استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، مجتمع آموزشی شهید محلاتی قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

k.abdolmaleki57@gmail.com

*** . استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی شاهرود، شاهرود، ایران

r.mohammadi@guran.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۷

مقدمه

قرآن کریم معجزه جاویدان خداوند و نشان صدق و راستی نبوت پیامبر ﷺ به شمار می آید. از این رو، اعجاز قرآن از همان سرآغاز پیدایش اسلام، کانون توجه و اهتمام مسلمانان قرار گرفت و عالمان و دانشمندان بسیاری در طول تاریخ، برای دفاع از جایگاه قرآن کریم و اثبات اعجاز آن، کتاب‌ها و مقالات بسیاری نوشتند. این بزرگان، نگاهی همه‌جانبه به اعجاز قرآن داشتند و عرصه‌های گوناگونی از لفظ و معنا را برای آن ذکر کرده‌اند.

یکی از جنبه‌های نوظهور اعجاز قرآن که در سده کنونی با روآوری قرآن پژوهان روبه‌رو شد و کتاب‌های بسیاری در رد و یا اثبات آن نگارش یافت، اعجاز عددی قرآن کریم است. اعجاز عددی قرآن، نظریه‌ای است که بیانگر نظم عددی اعجاز گونه قرآن است. بر پایه این نظریه، تعداد کلمات و حروف قرآن از نظم بسیار دقیقی برخوردار است و این نظم نشانه اعجاز قرآن است.

از این رو، برخی از صاحب‌نظران در چند دهه گذشته، بُعد دیگری برای اعجاز قرآن بیان کرده‌اند و بر آنند که نظم ریاضی ویژه‌ای بر قرآن حاکم است. نخستین کسی که این ادعا را مطرح کرد، دکتر رشاد خلیفه است. او به مدت سه سال با استفاده از رایانه، درباره قرآن تحقیق کرد و نتیجه این تحقیقات را در سال ۱۳۶۱ش به روزنامه‌های دنیا داد. او ادعا کرد نظمی را در قرآن کشف کرده است که ویژگی یگانه قرآن بوده و یکی از بزرگ‌ترین جنبه‌های اعجازی آن به شمار می‌رود. کتاب او با عنوان «معجزة القرآن الکریم» در سال ۱۹۸۳م در بیروت و سپس به زبان انگلیسی در آمریکا چاپ شد.

در پی این جریان، افراد دیگری نیز در این باره تحقیقاتی انجام دادند؛ از جمله:

ابن خلیفه علیوی در «معجزة القرن العشرين فی کشف سباعیة و ثلاثة اوامر القرآن الکریم»، می‌گوید: «نود درصد اوامر قرآن، هفتگانه یا سه‌گانه یا یگانه است و تکرار آن‌ها در موارد خود لازم بوده است».

مهندس مصطفی ابوسیف بدران در المنظومات العددیة فی القرآن العظیم، روابط ریاضی حروف مقطعه را بررسی کرده است.

عبدالرزاق نوفل در کتاب *الاعجاز العددی للقرآن الکریم* که در سه جزء جداگانه چاپ شده، کوشیده است تا نظام ریاضی تکرار واژه‌ها را در قرآن نشان دهد. دکتر رفیق ابوالسعود در یک فصل از کتاب *اعجازات حدیثه علمیه و رقمیه فی القرآن*، معجزه اعداد و ارقام را در قرآن مطرح می‌کند و مطالبی همانند مطالب عبدالرزاق نوفل می‌آورد. بسام نهاد جرار در *اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم*، پس از آنکه نظام ریاضی دکتر رشاد خلیفه را توضیح می‌دهد و اشکالاتی به آن می‌گیرد، اعجاز عدد ۱۹ را در قرآن به صورت تازه‌ای اثبات می‌کند. محمود احمدی در *اعجاز عددی قرآن کریم و رد شبهات*، کوشیده است تا اشکالات وارد شده بر اعجاز عددی و محاسبات عبدالرزاق نوفل و رشاد خلیفه را پاسخ دهد. او نخست خلاصه‌ای از همه مطالب رشاد خلیفه و عبدالرزاق نوفل را آورده است؛ سپس اشکالات را یکی پس از دیگری برشمرده و حتی برخی از آن‌ها را به نقل از نامه‌های دکتر رشاد خلیفه پاسخ داده است. مهندس عدنان رفاعی در *المعجزة*، مطالبی شبیه سخنان عبدالرزاق نوفل و دکتر رفیق ابوالسعود می‌آورد.

طلحه جوهر در *الاعجاز العددی فی سورة الفاتحة*، محور بحث خویش را عدد ۱۹ قرار داده و آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» را با آیه «تسعه عشر» مقایسه کرده و در پایان، آیاتی را که نوزده حرف دارد، گردآوری کرده است و از همه مطالب کتاب اعجاز عددی و ریاضی قرآن را ثابت می‌کند. کوروش جم‌نشان در کتاب *اعجاز ریاضی زوج و فرد در قرآن کریم*، با توجه به آیه سوم سوره والفجر که خداوند متعال به زوج و فرد سوگند یاد کرده است، به فکر افتاده است که شاید یک نظام عددی بر مبنای زوج و فرد در قرآن باشد. در نهایت جمع اعداد زوج دقیقاً مساوی با جمع تعداد آیات قرآن، یعنی ۶۲۳۶ و جمع اعداد فرد مساوی با ۶۵۵۵ است که حاصل جمع شماره سوره‌هاست و بدین ترتیب نمونه دیگری از اعجاز عددی قرآن را اثبات می‌کند. عبدالله اریک در مقاله «بسم الله مفقوده»، ادعا کرده است که نبودن بسم الله در آغاز سوره توبه و تکرار آن در سوره نمل بسیار حکیمانه و از معجزات قرآن است. ایشان با استفاده از سوره‌ها این مطلب را اثبات می‌کند.

دکتر ابوزهرا نجدی در *من الاعجاز البلاغی والعددی للقرآن الکریم*، کار دکتر رشاد خلیفه را ادامه داده است؛ برای نمونه می گوید، واژه سجده ۳۴ بار در قرآن آمده که اشاره به ۳۴ سجده نمازهای یومیه است.

سعید نورسی (بدیع الزمان) در کتاب *اشارات الاعجاز فی مظان الایجاز* و برخی نوشته‌های خود ضمن بحث از هماهنگی لفظی واژه‌های قرآن، به برخی از هماهنگی‌های عددی الفاظ قرآن اشاره می‌کند.

در برابر این رویکرد، شمار دیگری از اندیشمندان مسلمان نیز به نقد این دیدگاه‌ها پرداختند؛ مخالفان اعجاز عددی می‌گویند قرآن در نوع خود چنین اعجازی را ندارد، اصل فرستادن قرآن برای بشریت برای تدبیر در قرآن و راهنمایی بشر به سرمنزل سعادت و رستگاری است، از این رو، پرداختن به این نوع تحقیقات در حوزه قرآن جز تباه شدن وقت و دریافت نتیجه نادرست و تکلیف‌آمیز چیز دیگری به دنبال ندارد. اینان معتقدند مشتقات بسیاری در این سویه از اعجاز وجود دارد و پافشاری دانشمندان بر یافتن یک رابطه میان کلمات و وسواس فراوان آنان باعث این تکلیفات و بروز تناقض و نواقص زیادی در گفتارشان شد. برخی از این مخالفت‌ها به شرح زیر است:

حسین ناجی محمد محی‌الدین در *تسعة عشر ملکاً، بیان أن فریة الاعجاز العددی للقرآن خدعة بهائیة*، با حمله شدید به کسانی که عدد نوزده را یکی از اسرار قرآن می‌دانند، آن را نوعی دروغ بستن بر خدا دانسته است.

دکتر محمدحسن هیتو در *المعجزة القرآنیة*، کمابیش همان مطالب حسین ناجی محمد را تأیید و تکرار می‌کند.

بسام نهاد جرار در *اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم*، هرچند خود به نوعی اعجاز عدد نوزده را در قرآن پذیرفته است، اما با ذکر مطالبی خطاها و اشتباهات دکتر رشاد خلیفه را بیان کرده است. عباس یزدانی در مقاله «اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن»، در مجله *کیهان اندیشه*، اشکالات متعددی نسبت به برخی از کتاب‌ها و مقالاتی که اعجاز عددی را پذیرفته‌اند، مطرح می‌کند و این جریان را انحرافی دانسته که موجب سرگردانی افراد می‌شود.

محمدعلی رضائی اصفهانی در اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن (پژوهشی در اعجاز علمی قرآن) با آوردن نمونه‌هایی از دیدگاه‌های دو طرف درباره اعجاز عددی قرآن می‌گوید: نظم ریاضی قرآن در جای خود بسی شگفت‌آور است، اما نمی‌توان ادعا کرد که این نظم ریاضی، اعجاز قرآن را نیز ثابت می‌کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۹).

منصور پهلوان و سعید شفیعی در مقاله «ارزیابی و نقد نظریه اعجاز عددی قرآن کریم» در مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث (۱۳۸۸)، به نقد اعجاز عددی پرداخته و می‌گویند: این‌گونه نظریه‌ها با دو مشکل روبه‌رو هستند: اول آنکه، هر فردی می‌تواند عددی دلخواه را معیار قرار داده و به تناسب‌هایی دست یابد؛ دوم اینکه، درستی آمار بسیاری از پژوهشگران پرسش‌برانگیز است و تعمیم‌پذیر نیستند (پهلوان، ۱۳۸۸، ص ۵۷-۷۶).

با وجود این، پژوهشی که محورهای اساسی اشکالات مخالفان اعجاز عددی را احصا و بررسی کرده باشد، تاکنون انجام نشده است. از این‌رو، این مهم سبب شد پژوهش حاضر به‌دنبال بررسی، سنجش و نقد دقیق‌تر و عمیق‌تر دلایل مخالفان با محوریت اصول و روش‌های مورد پذیرش موافقان و شیوه عملکرد آن‌ها، نگارش یابد؛ به‌ویژه در مسائل مرتبط اختلافی در علوم قرآن و شناسایی و ارائه دلایل تازه جهت جلوگیری از استفاده‌های نادرست از بحث اعجاز عددی که می‌تواند به پیدایش نظریه ناسازگاری علم و قرآن بینجامد.

۱. محورهای اساسی اشکالات مخالفان اعجاز عددی قرآن

مطالعه و بررسی کتاب‌ها و مقالاتی که درباره مخالفت با اعجاز عددی نوشته شده، چند اشکال اساسی را در این باره پیش روی پژوهشگران می‌گشاید و اعتماد به مقوله اعجاز عددی را تا اندازه‌ای سست می‌کند. از آنجا که سروکار پژوهشگر در اعجاز عددی با شمارش حروف، کلمات، آیات و سوره‌هاست و بدین صورت به نتایج مورد نظر دست می‌یابد، بایسته است که اشکالات وارده به‌دقت بررسی شود تا درستی و نادرستی گفتار مخالفان روشن گردد. مهم‌ترین این موارد عبارت‌اند از:

۱-۱. انحراف از مقاصد عالی و هدایت‌آفرین قرآن

قرآن، کتاب ذکر، علم، نور، موعظه، فرقان (جدا کردن حق از باطل)، شفا و راهنمای انسان به سوی حق و کمال، سخن خداوند متعال و معجزه جاویدان است. در واقع قرآن همواره خود را کتاب هدایت و راهنمایی و حاوی برنامه زندگی انسان‌ها خوانده است. در این میان بزرگان دین نیز قرآن را کتاب هدایت و عمل معرفی کرده و از انسان‌ها خواسته‌اند در برخورد با قرآن، به قصد هدایت و رسیدن به کمال حقیقی از این منبع بی‌کران علم الهی خوشه‌چینی کنند و خود را به امور انحرافی و بیهوده سرگرم نسازند. از این رو، برخی پژوهشگران معتقدند در هیچ آیه‌ای از آیات قرآن، اشاره‌ای به نظم ریاضی نشده است؛ زیرا قرآن برای شفای مردم از بیماری‌های روحی و قلبی آمده است، نه اینکه در شمارش حروف و کلمات آن غرق شده و اصل مفاهیم بلند قرآن از یاد برود (پهلوان و شفیعی، ۱۳۸۸، ص ۶۲).

ناگفته نماند برخی از موافقان اعجاز عددی، به آیه «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (انعام: ۵۹) اشاره کرده و بر این باورند که همه آنچه بشر در زندگی دنیوی و اخروی نیاز دارد و نیز علوم متفاوت را می‌توان در قرآن یافت؛ چنین برداشتی بنابر نظر مفسران برجسته، نادرست است؛ زیرا هر جا خداوند کتاب مبین را نام برده، خواسته بدین وسیله احاطه علمی پروردگار را به اعیان موجودات و حوادث جاری جهان برساند. البته برخی مفسران، کتاب مبین را جدای از قرآن می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۸۱؛ طبرسی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۱۲۱).

۱-۲. بی‌توجهی به زبان قرآن

قرآن همواره از کلامی ساده و روان برای راهنمایی بشر بهره برده است^۱ (آل‌عمران: ۱۳۸). به عبارتی، از زبان عقلانی جاری و مرسوم میان عقلا استفاده می‌کند و هیچ‌گاه در مسیر هدایت، کلام معماگونه‌ای دیده نشده است که بشر بخواهد بعد از قرن‌ها به وسیله اعداد و فرمول‌های

۱. «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ».

ریاضی آن را کشف کند. افزون‌براین، اگر خداوند بخواهد در برخی مسائل، امری را معماگونه و پوشیده بیان کند - برای نمونه زمان وقوع قیامت یا ظهور حضرت ولی عصر عجله - معمای او باید به گونه‌ای باشد که تا قیامت معما بماند؛ و گرنه چنانچه بشر بتواند چیزی را که مشیت خدا آن را پوشیده خواسته است، کشف کند، نوعی نقص و ضعف برای خداوند خواهد بود. همچنین اگر قرآن دارای معماهای گوناگون بود و به زبان ساده سخن نگفته بود، هرگز آیات تحدی وارد نمی‌شد و خداوند اعراب بادیه‌نشین را با یک کلام معماگونه تحدی نمی‌کرد. از این رو، تحدی به چیزی که برای مخاطب نامفهوم است، درست نیست.

بنابراین، سخن جناب رشاد خلیفه را که در پژوهش‌های خود، با فرض قداست و محوریت عدد ۱۹، حروف مقطعه را با توجه به حدیث معروف گفت‌وگوی پیامبر و فردی یهودی به نام ابویاسرین اخطب درباره نخستین آیه سوره بقره (الم) و بیان پایان دین اسلام از راه حساب الجمل (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۵۳) و دستاویز قرار دادن این حدیث به این نتیجه می‌رسد که قیامت در سال ۱۷۱۰ق یا ۲۲۸۰م فرا می‌رسد، باید مورد تشکیک قرار داد. وی با استفاده از حساب الجمل، همه حروف مقطعه را کنار هم قرار می‌دهد و با جمع اعداد مربوط به این حروف، به عدد ۱۷۰۹ می‌رسد. بنابراین، چون رقم به دست آمده مضرب ۱۹ نبود، ایشان یک رقم دیگر به آن می‌افزاید و عدد ۱۷۱۰ که مضرب عدد ۱۹ است، یعنی ۱۹×۹۰ را به دست می‌آورد و آن را زمان پایان دین اسلام و آغاز قیامت می‌داند.

بنابر آنچه گفته شد، به این استدلال خدشه وارد است؛ زیرا چگونه ممکن است پیامبر صلی الله علیه و آله پایان دین خود را به مردم اعلان کند؟ همچنین خداوند در قرآن به صورت روشن و آشکار بیان می‌کند که هیچ کس زمان رخ دادن قیامت را نمی‌داند و این مسئله از جمله علمی است که ویژه خداوند است (اعراف: ۱۸۷؛ لقمان: ۳۴؛ انعام: ۳؛ احزاب: ۶۳؛ زخرف: ۸۵). پس چگونه از آیات قرآن چنین برداشت‌هایی می‌شود؟

۳-۱. بی‌توجهی به وجوه اعجاز قرآن

به‌باور علامه طباطبایی، اعجاز قرآن را نمی‌توان در مواردی خاص مانند تناسب اعداد، خبر از غیب،

فضاحت، بلاغت یا دیگر وجوهی که پژوهشگران از آن یاد کرده‌اند دانست، بلکه اعجاز قرآن چنان که از آیات تحدی برمی آید، در همه شگفتی‌هایی است که در آن وجود دارد و با تلفیق و کنار هم قرار دادن این موارد است که اعجاز محقق می‌شود؛ زیرا در آیات تحدی، تحدی به مثل با همه صفات شده است و در هیچ آیه‌ای از قرآن نیامده که ویژگی مهم آن در چیست (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۶۰). با قرار دادن این تعریف در کنار آیاتی که به ماهیت هدایت، موعظه، فرقان و... بودن قرآن اشاره می‌کند، می‌توان چنین دریافت که این عناوین در ترکیب باتوجه به محتوای قرآن و پیروی از رهنمودهای آن ممکن می‌شود، نه از طریق دقت در ساختار رسمی و کشف تناسب و توازن حروف و کلمات این کتاب مقدس. بنابراین، هیچ‌جای قرآن، حتی به‌طور تلویحی نیز مردم را به این‌گونه کاوش‌ها دعوت نمی‌کند، بلکه می‌توان گفت به دوری از چنین برداشت‌هایی نیز تشویق می‌کند؛ چنان که در قضیه اصحاب کهف، قرآن پس از بیان داستان، می‌فرماید که چرا مردم به‌جای آنکه به پیام این قضیه توجه کنند، خود را مشغول مطالب حاشیه‌ای داستان کرده و درباره شمارش اصحاب کهف با هم کشمکش می‌کنند (کهف: ۲۲).

نکته مهم‌تر اینکه برخی وجوه ادعا شده در اعجاز عددی، همچون رعایت هماهنگی در اعداد، از عهده بشر بیرون نیست؛ برای نمونه، می‌توان اسرار عددی را در تألیف یک کتاب در نظر داشت و از آغاز میان ابواب و فصول و تعداد جملات آن چنین نظمی را جاسازی کرد؛ چنان که برخی پژوهشگران نمونه‌هایی از هماهنگی اعداد در قصیده مشهور امرؤالقیس، شاعر جاهلیت را شناسایی کرده‌اند (پهلوان و شفیعی، ۱۳۸۸، ص ۶۳). از این رو، در صورت پذیرش این اصل از سوی پیروان اعجاز عددی، قصیده امرؤالقیس نیز می‌تواند نوعی اعجاز خفیف به‌شمار آید. بنابراین، اموری همچون هماهنگی عددی در قرآن اعجاز نیست؛ زیرا دیگران نیز بر انجام آن قادرند.

۴-۱. اختلاف دانشمندان در تعداد و ترتیب سوره‌ها، آیات، کلمات و حروف قرآن

همواره در میان پیشینیان، درباره مسائلی مانند تعداد و ترتیب سوره‌ها، تعداد آیات، کلمات و حروف قرآن، اختلاف وجود داشته است. از آنجاکه این مسائل پایه و مواد اولیه تحقیقات

پژوهشگران اعجاز عددی است، نتایجی که یک محقق به اعتبار و استناد هر کدام از این موارد بدان دست می‌یابد، تا اندازه چشمگیری با نتایج تحقیقات دیگران متفاوت خواهد بود؛ زیرا این اعداد از دیدگاه‌های مختلف و دلایل پُرشمار، متفاوت است. بنابراین، پژوهشگران اعجاز عددی، با چه دلایلی، دیدگاهی را می‌پذیرند و در پی اثبات آن به این نتیجه می‌رسند که تعداد سوره‌های قرآن عددی خاص است و بقیه را رد می‌کنند و یا آیه‌های آن را در عدد خاصی درست دانسته و از اظهار نظر به سایر موارد و احتمال درستی آن‌ها خودداری می‌کنند؛ با وجود اینکه دیدگاه‌های دیگر نیز دارای اهمیت روایی و علمی هستند. برای جلوگیری از هرگونه شبهه، در ادامه به‌طور مختصر به مقوله سوره‌ها، آیات، کلمات و حروف قرآن و بررسی دیدگاه‌های متفاوت در این باره پرداخته می‌شود.

۱-۴-۱. ترتیب سوره‌ها

با وجود اینکه پژوهشگران اعجاز عددی در پی اثبات توقیفی بودن ترتیب سوره‌های قرآن هستند تا دیدگاه‌های خود را بر آن پی‌افکنند (ر.ک: زرقانی، ۱۳۸۵، ص ۳۹۸؛ زرکشی، ۱۹۹۰، ص ۳۵۷؛ میرمحمدی زرنندی، ۱۳۷۶، ص ۸۶؛ معرفت، ۱۳۸۲، ص ۱۱۷)، اما دانشمندان علوم قرآن دیدگاه‌های گوناگونی درباره چگونگی مرتب ساختن سوره‌های قرآن دارند (معرفت، ۱۳۸۲، ص ۸۳؛ رجیبی قدسی، ۱۳۹۸، ص ۳۰)؛ برخی از آن‌ها به شرح زیراند:

- نظم و ترتیب سوره‌های قرآن توقیفی و به دستور پیامبر ﷺ بوده است؛
- ترتیب سوره‌ها براساس دستور پیامبر ﷺ نبوده، بلکه نظم و ترتیب فعلی، حاصل اجتهاد صحابه است؛
- نظم دسته‌ای از سوره‌ها توقیفی و بقیه براساس اجتهاد صحابه بوده است. گروهی از دانشمندان این دیدگاه را بهترین می‌دانند و به آن پایبند هستند. ناگفته نماند بر سر سوره‌های اجتهادی و توقیفی نیز اختلاف است (رجیبی قدسی و طباطبایی، ۱۳۹۳، ص ۶۶-۶۷؛ میرمحمدی زرنندی، ۱۳۷۶، ص ۸۶).

۱-۴-۲. تعداد آیات

از بحث انگیزترین موارد در اعجاز عددی، بحث تعداد آیات است. درباره چگونگی تعداد آیات هر سوره در قرآن دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده است (سیوطی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۷؛ زرقانی، ۱۳۸۵، ص ۳۳۸). شبهه فزونی یا کاستی تعداد آیات در اعجاز عددی بسیار مهم و تأثیرگذار است. درباره شمارش تعداد کل آیات قرآن، همچنین تعداد آیات هر سوره، دیدگاه‌های گوناگون و اختلاف فراوانی میان پژوهشگران وجود دارد. با وجود اینکه مصاحف عثمانی به پنج منطقه مهم آن زمان ارسال شد، ولی شمارگان مختلفی برای آیات قرآن ثبت شده است (همان‌ها). روایات مختلفی در کتاب‌های علوم قرآنی درباره اعداد ذکر شده است و اجماع بر هیچ‌یک از اعداد نیست؛ برای نمونه، مصحف اهل کوفه ۶۲۲۰ آیه، مصحف اهل شام ۶۲۲۶ آیه، مصحف مدینه اول ۶۲۱۰ آیه، مصحف مدینه دوم ۶۲۱۷ آیه، مصحف اهل بصره ۶۲۱۹ آیه و مصحف اهل کوفه ۶۲۳۶ آیه (دانی، ۱۹۸۸، ص ۸۰). البته آنچه درست به نظر می‌رسد، این است که شمار آیات بیش از ۶۲۰۰ است. صاحب مجمع البیان می‌گوید: عدد اهل کوفه ۶۲۳۶ آیه است که منصوب به حضرت علی علیه السلام است که مورد اعتماد و از همه روشن‌تر است (طبرسی، ۱۳۷۸، ص ۱۵). ناگفته نماند، درباره شمار آیات هر سوره نیز اختلافات فراوانی وجود دارد. بنابراین، نتایجی که یک محقق به اعتبار پذیرش دیدگاه خاصی درباره تعداد آیات به دست می‌آورد، متفاوت از نتایجی خواهد بود که با پذیرش دیدگاه‌های دیگر به دست می‌آید (زرقانی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۸).

۱-۴-۳. تعداد کلمات

درباره تعداد کلمات قرآن کریم اختلاف بسیاری وجود دارد. پژوهشگران اختلاف را در این می‌دانند که کلمه دارای معانی حقیقت، مجاز، صورت لفظی و رسم الخطی است و کلمه را به اعتبار هر یک می‌توان در نظر گرفت (زرقانی، ۱۳۸۵، ص ۳۹۵). به طور کلی تعداد کلمات قرآن را ۷۷۹۳۴ و ۷۷۴۳۷ نقل کرده‌اند (همان، ص ۲۳۵). زرقانی عدد ۷۷۹۳۴ را درست می‌داند

(همان، ص ۳۹۵). درباره اختلاف در تعداد کلمه، سیوطی در *الاتقان* و زرکشی در *البرهان* چنین دیدگاهی دارند. زرقانی با آوردن حدیثی از قول طبرانی از عمرین خطاب، می گوید: «القران الف حرف و سبعة عشرون الف حرف، فمن قرأه صابراً محتسباً كان له بكل حرف زوجة من الحورالعین» (همان).

قرآن یک میلیون و دویست و هفت هزار حرف دارد. هر کس با بردباری و تحمل آن را بخواند، به ازای هر حرف همسری از حورالعین خواهد داشت. سیوطی ضمن نقل این حدیث، ناقلان آن را ثقه دانست؛ تعداد حروف نوشته شده قرآن، پیش از نسخ قرآن را دربر می گیرد و اکنون این تعداد از حروف، موجود نیست (سیوطی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۶).

در نقد این مطلب می توان چنین استدلال کرد که: اولاً، در شمارش عدد، هیچ گاه به معنای کلمات توجه نمی شود و برپایه ضوابط و قوانینی که موافقان اعجاز عددی بیان می دارند، رسم الخط هماهنگ، معیار شمارش کلمات مشابه بوده و دوگانگی در یک موضوع پذیرفته نیست؛ ثانیاً، شخصیتی مانند رشاد خلیفه درباره کلمه «رحیم» در آیه پایانی سوره توبه، بدین رو که معادلات عددی وی به هم می ریزد، دو آیه آخر را جعلی و ساخته صحابه، پس از درگذشت پیامبر اعلام کرد تا بدین وسیله به عدد ۱۹ برسد که آن را کد مخصوص قرآن و اعلام خداوند به خود می دانست و یا می گوید: کلمه قرآن، ۵۷ بار و در ۳۸ سوره ذکر شده که هر دو مضربی از ۱۹ هستند.

$$۳۸ = ۲ \times ۱۹ \quad ۵۷ = ۳ \times ۱۹$$

اگر تعداد ارقام مجموع آیاتی را که کلمه قرآن در آنها ذکر شده، جمع کنیم، عدد $۲۶۶۰ = ۱۹ \times ۱۴۰$ به دست می آید.

در پاسخ باید گفت: اولاً، با در نظر گرفتن فتحه، کسره، ضمه و تنوین، لفظ «قرآن» ۵۸ بار در قرآن ذکر شده است. ولی ایشان کلمه «قرآن» را با تنوین فتح در نظر نمی گیرد، مانند «إنا أنزلناه قرآناً». مگر تفاوتی بین «ن» همراه با فتحه، ضمه و کسره با «ن» تنوین دار وجود دارد؛ همچنین آیه ۱۵ سوره یونس را که کلمه قرآن در عبارت «أنتِ بقرآنٍ غیرِ هذا» آمده است،

به حساب نمی‌آورد تا به عدد ۵۷ برسد. ثانیاً، کلمه «قرآن» در ۳۴ سوره ذکر شده؛ ولی نظر ایشان «۳۸» سوره است.

۱-۴-۴. تعداد حروف

از دیگر روش‌های محاسباتی پژوهشگران اعجاز عددی، استفاده از جدول حساب الجمل است که انتقادهای بسیاری به آن شده است. در این روش برای هر یک از حروف ۲۸ گانه، یک رقم در نظر گرفته شده که در قالب جدول ویژه‌ای بیان شده است. پژوهشگران در اینکه این روش محاسباتی نوآوری عرب‌ها نبوده است، اتفاق نظر دارند؛ زیرا این روش را یهودیان در کتاب‌های خود به کار می‌بردند و پیش از آن‌ها توسط سامی‌ها به کار می‌رفت. گروهی از نویسندگان این حوزه، مانند عاطف علی صلیبی، رشاد خلیفه، عدنان رفاعی، بسام نهاد جرار و دکتر فاطمی‌نیا، از این روش استفاده فراوان کردند. برخی هم در این روش بسیار با احتیاط رفتار کردند، یا اینکه هیچ‌گونه بهره‌ای از آن نبردند، همانند عبدالدائم الکحیل که دارای کتاب‌های گوناگون در اعجاز عددی است.

هرچند استفاده پژوهشگران اعجاز عددی قرآن از حروف در محاسبات حساب الجمل، بر اهمیت تعداد حروف می‌افزاید، اما این موضوع دارای کاستی‌های بسیاری است. با توجه به اهمیت و نحوه نگارش در مصحف عثمانی و باورهای متفاوت درباره آن، آنچه در لفظ بیان می‌شود و آنچه در رسم نوشته می‌شود، اختلاف وجود دارد. بسیاری از حروف نوشته می‌شوند، ولی خوانده نمی‌شوند و بسیاری از حروف خوانده می‌شوند، ولی نوشته نمی‌شوند؛ برای نمونه، «*تُمْ نَظَرٌ...*» (مدثر: ۲۱) دارای پنج حرف در رسم و شش حرف تقدیری و «*لَيْسَتْ خَلْفَهُمْ...*» (نور: ۵۵)، دارای نه حرف در لفظ و ده حرف تقدیری است (سیوطی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۶).

پژوهشگران در شمارش حروف، گاه سهوی و گاهی عمدی دست به چنین کاری می‌زنند. در حقیقت آن‌ها در پاره‌ای اوقات به قوانین اعجاز عددی که خود از ابتدا وضع کرده‌اند، پایبند نبوده و آن را رعایت نمی‌کنند. برداشت هر یک از معنای کلمه و حروف باعث می‌شود

اختلافات بسیاری در حوزه شمارش پدید آید. این اختلافات در پژوهش‌های اولیه، همچون پژوهش‌های آقای نورسی، رشاد خلیفه، نوفل و دیگران بیشتر است؛ ولی هرچه به سال‌های اخیر نزدیک می‌شویم، این نوع اختلافات کمتر دیده می‌شود (روحانی، ۱۳۶۸، ص ۱۰۴).

۱-۴-۵. شمارش حروف مقطعه

اشکالات در شمارش حروف مقطعه بسیار زیاد و مهم است؛ برای نمونه، رشاد خلیفه درباره حروف مقطعه به این نتیجه رسیده است که همواره میانگین تکرار حروف مقطعه در سوره‌ای خاص بر میانگین تکرار حروف دیگر برتری دارد. چنان که حرف «ق» در سوره «ق» میانگینی بالاتر از سایر حروف در این سوره و سایر سوره‌های قرآن دارد (پهلوان و شفیع، ۱۳۸۸، ص ۶۵) و این حروف مضربی از عدد ۱۹ هستند. اما ایراداتی بر این دیدگاه وارد است؛ از جمله: اولاً، این ادعا که مجموع تعداد این حرف از حروف مقطعه در سوره‌ای که آن حروف در ابتدای آن واقع شده مضربی از عدد ۱۹ است، پذیرفته نیست؛ زیرا مثلاً حرف «ن» در سوره قلم، ۱۳۱ بار آمده است، نه ۱۳۳ بار تا مضرب ۱۹ باشد؛ ثانیاً، نسبت حرف «ق» به حروف دیگر در سوره‌های شمس، قیامت و فلق از سوره «ق» بیشتر است. بنابراین، چنین استنباط می‌شود که داشتن انتظار اعجاز عددی از حروف مقطعه قرآن، نایب‌جاست.

۱-۵. تناقض و خطاهای املائی در مصاحف عثمانی

یکی از اساسی‌ترین پایه‌های پژوهش در زمینه اعجاز عددی، رسم‌الخط عثمانی است. منظور از رسم‌الخط یا شیوه املائی مصحف عثمانی، نوع نگارشی است که عثمان در نوشتن کلمات و حروف قرآن با آن موافقت کرد (زرقانی، ۱۳۸۵، ص ۴۱۹). انتظار می‌رود مصحف عثمانی با توجه به اختلافات مصاحف گذشته و کاستی‌های موجود در آن‌ها، مصحفی بدون اشکال و تغییر و تبدیل باشد؛ اما این موارد در این مصحف رعایت نشده و گاهی رسم‌الخط با نحوه ادای

کلمات هم‌خوانی ندارد. افزون‌براین، در اعجاز عددی در مواردی از رسم‌الخط‌های نادر برای به نتیجه رساندن تحقیقات نیز استفاده می‌شود. به‌باور برخی پژوهشگران، خود رسم‌الخط عثمانی نیز دارای غلط‌ها و تناقض‌های آشکار در نگارش است (همان؛ معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۶۱)؛ تکیه بر یک نگارش نادرست، بی‌گمان نتایج نادرستی در پی خواهد داشت. برای نمونه، در قاعده ابدال، زمانی که «الف» بعد از «واو» منقلب باشد، به صورت «یاء» نوشته می‌شود، مانند یتوفیکم. همچنین در نون تأکید خفیفه به صورت «الف» نوشته می‌شود، مانند یکونا. نیز در صورت تفخیم، «الف» در این کلمات به صورت «واو» نوشته می‌شود، مانند الصلوه و الزکوه. در قاعده حذف «الف»، «الف» از «یا» ندا حذف می‌شود، مانند یایها الناس. همچنین «الف» پس از «لام» حذف می‌شود، مانند خلف. همچنین «الف» بین دو «لام» حذف می‌شود، مانند خلل. نیز «الف» در اسم علم بیش از سه حرف حذف می‌شود، مانند ابرهیم (سیوطی، ۱۳۸۰، ص ۵۳۹). بنابراین، ریشه بسیاری از اشکالات اعجاز عددی قرآن، این است که این ادعاها درباره رسم‌الخط فعلی آن رخ داده است؛ درحالی‌که آنچه ملاک است، نوع تلفظ کلمات است؛ زیرا قرآن از زمانی که به نگارش درآمده تا امروز یکسان تلفظ شده، اما رسم‌الخط آن دگرگون شده است (کریمی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۳)؛ از این رو، اگر بحث اعجاز برپایه آنچه تلفظ می‌شود مطرح شود، قابل بررسی است، اما رسم‌الخط در آینده نیز ممکن است تغییر کند.

۱-۶. اختلاف دانشمندان در انواع متعدد قرائات قرآن کریم

پس از رحلت رسول اکرم ﷺ مصاحف گوناگونی در دست اصحاب بود. نداشتن اعراب، نقطه و ابتدایی بودن خط باعث شد اختلافات در قرائت قرآن افزایش یابد و پس از یکسان‌سازی مصاحف نیز، اختلافات ادامه یافت. نقش این اختلافات در شمارش حروف بسیار تأثیرگذار است (زرقانی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۰). بنابراین، هرگونه تغییر در نوع حروف، اضافه شدن مثلاً «الف»، «ی»، «و» به کلمات در تلفظ و یا حذف بعضی از حروف دیگر و یا تغییر بعضی حروف در قرائات مختلف، باعث می‌شود شمارش حروف تغییر کند و نتایج به‌دست آمده

دستخوش تغییرات گردد. از سویی، هر چند برخی موافقان اعجاز عددی بر روایت حفص از عاصم در این نوع پژوهش‌ها تأکید می‌کنند، اما بسیاری از دانشمندان علوم قرآنی روایات دیگر را نیز مدنظر دارند.

گاهی نظریه پردازان این حوزه در کلمه یا آیه‌ای دچار مشکل می‌شوند که با نظریه عددی آن‌ها هماهنگی ندارد و به قرائت‌های دیگر روی می‌آورند که این خلاف اصول است (رومی، ۲۰۱۰، ص ۱۲)؛ برای نمونه، در آیه «والله یقبض و یبسط» (بقره: ۲۴۵)، طبق روایات حفص، کلمه یبسط را به «س» خوانده ولی در روایات دیگر آن را با «ص» می‌خوانند. زمانی که ما روایات حفص را اختیار کردیم، کلمه را حتماً باید به «س» شمارش کنیم، نه اینکه در این موارد خاص به روایتی که به «ص» خوانده می‌شود، رجوع کنیم.

یکی از پژوهشگران در شمارش تعداد آیات «۵-۱» سوره علق، برای اینکه به عدد ۱۹ برسد، در آیه «۵» کلمه «الم» را یک کلمه به‌شمار آورده، ولی این قانون را در آیه «۳-۱» سوره مزمل درباره کلمات «الا»، «او» و «لا»، اجرا نکرده است؛ چرا که می‌بایستی کلمه موردنظر ایشان، ۵۴ کلمه در سوره مزمل باشد، تا بر ۱۹ تقسیم‌پذیر شود، ولی عدد به‌دست آمده، ۵۷ بود. بنابراین ملاکی را که در سوره علق قبول داشت، در سوره مزمل زیرپا گذاشت (خلیفه، ۱۹۸۳، ص ۸۳).

از این رو، بایستی در شمارش حروف، کلمات و آیات یکسان، روش یکسانی را به کار گرفت، هر چند نتیجه دلخواه به‌دست نیاید؛ برای نمونه، اگر قرائتی را پذیرفتیم، یا یک نوع شمارش کلمات را به کار بستیم، چنانچه به نتیجه نرسیدیم نباید در آن مورد خاص به قرائت‌های دیگر مراجعه کنیم تا نتیجه مطلوب و دلخواه را به‌دست آوریم. هر چند میان دانشمندان درباره قرائت، آیات و سوره‌ها اختلافاتی وجود دارد، ولی آنچه موافقان اعجاز عددی بر آن اتفاق نظر داشته و مصمم هستند، مصحف عثمانی است (جلغوم، ۱۹۹۴، ص ۳۶)؛ چنان که برخی نیز تأکید کرده‌اند از شروط بسیار مهم در اعجاز عددی، التزام به قرائت متواتر است. پس اگر از این روش دست کشیدیم و برای رسیدن به مقصود از قرائت‌های نادر استفاده کنیم، کار غیرمنطقی انجام داده‌ایم (رفاعی، ۲۰۰۰، ص ۱۶).

نقد دیگر این روش، این است که رسم و کتابت قرآن غیر از قرائت است، زیرا مآخذ قرائت روایت و اسناد است، ولی مآخذ رسم و کتابت روش‌هایی است که در نوشتن رایج بوده است. بنابراین موظف هستیم آیات قرآنی را همان‌گونه قرائت کنیم که برای ما نقل شده است، نه براساس رسم الخط و کتابت آن. هرگاه ما ملائک قرائت قرآن را رسم الخط و کتابت آن بدانیم، ممکن است آیات و کلمات قرآنی را به گونه‌ای تلاوت کنیم که از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام نقل نشده باشد (حجتی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۳).

از سوی دیگر، سیوطی از قول ابن‌الخبری قرائت را بر چند نوع می‌داند؛ از جمله: ۱. متواتر؛ ۲. مشهور؛ ۳. آحاد؛ ۴. شاذ؛ ۵. موضوع؛ ۶. افزودن در قرائت به صورت تفسیر (سیوطی، ۱۳۸۰، ص ۲۵۷). با توجه به این نوع تقسیم‌بندی که در کتاب‌های علوم قرآنی انجام شده است، در حوزه اعجاز عددی از قرائت‌های شاذ و آحاد در شمارش حروف و کلمات استفاده شده است (حجتی، ۱۳۸۹، ص ۳۱۰). همچنین گویا با توجه به حجم اختلاف در قرائت‌های گوناگون، مخالفان اعجاز عددی می‌گویند: چگونه می‌توان یک نوع قرائت را مبنای کار قرار داد و به سایر قرائت‌ها بی‌تفاوت بود و محاسبات را بر پایه‌های سست بنا کرد.

۱-۷. برخورد گزینشی آیات و اختلاف در شمارش کلمات تناسبی

از جمله دلایل دیگر مخالفان اعجاز عددی، برخوردهای گزینشی آیات برای رسیدن به مقاصد خود است. دیده می‌شود که پژوهشگران اعجاز عددی در بسیاری از موارد برای رسیدن به نتایج خاص، آیه‌ها و کلمات خاصی را در کنار هم قرار می‌دهند؛ در حالی که هیچ‌گونه ارتباطی با هم ندارند و یا برای تناسب عددی، لفظ‌های نامرتب را در نظر می‌گیرند یا بخشی از یک کلمه را حذف می‌کنند که در معنای آیه تأثیرگذار است تا تناسب مورد نظر به دست آید؛ برای نمونه، اگر واژه «شهر» را بدون صیغه‌های جمع آن در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که تعداد آن به تعداد ماه‌های سال است؛ ولی الفاظ «الشهر، بالشهر، شهرین، شهر» به تعداد ۲۱ بار در قرآن آمده است اما استفاده سلیقه‌ای باعث شده که تنها لفظ شهر در نظر گرفته شود تا عدد مورد نظر - یعنی ۱۲ - به دست آید.

همچنین در القای تناسب کلماتی مانند جهنم و جنت، برخی کلمات با مشتقات حساب شده و برخی بدون مشتقات آمده است (کسار، ۲۰۱۰، ج ۲، ص ۱۵). نمونه دیگر این مدعا این است که کلمه «سحر» در مقابل «فته» و مساوی با آن، ۶۰ بار در قرآن به کار رفته است (همان، ص ۹۸). باید بررسی کرد که چه قرابتی میان این دو کلمه وجود دارد؟ در قرآن فتنه بر کفر اطلاق شده است: «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره: ۱۹۱)، «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره: ۲۱۷)، یا بر اموال و فرزندان: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (انفال: ۲۸)، «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (تغابن: ۱۵)، یا بر عذاب آخرت: «أَذَلِكَ خَيْرٌ نُزُلًا أَمْ شَجَرَةَ الزُّقُومِ... إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ» (صافات: ۶۲-۶۳).

تنها یک جا فتنه بر سحر اطلاق شده است: «وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ» (بقره: ۱۰۲). با این توضیح، چگونه این یک مورد دلیل می شود که سحر را در مقابل فتنه قرار دهند؟ این نمونه و موارد مانند آن نشان می دهد، طرفداران این ادعا، دقت لازم را در ارائه آمار نداشته اند و معیار دقیقی برای این محاسبات وجود ندارد.

۸-۱. نتایج اغراق آمیز و مخالف با نص قرآن و شریعت

مخالفان اعجاز عددی بر این باورند که نباید از اعجاز برای برداشت های غیر علمی و غیر شرعی در اتفاقات و مسائل گذشته و آینده، یعنی آنچه در گذشته رخ داده و پایان یافته است یا آنچه در آینده رخ می دهد، استفاده کرد؛ البته اگر بر آنچه از راه اعداد استخراج شده، برهان علمی و یا دلیل نقلی قاطع ارائه شود، اشکالی نخواهد داشت و همه دانشمندان آن را می پذیرند. با این توضیح، روشن است که برخی اتفاقات امروزه پیش بینی پذیر است؛ مانند خسوف و کسوف که دانشمندان نجوم آن را پیش بینی می کنند؛ اما بی گمان علم برخی از امور را تنها خداوند می داند، همچون زمان قیامت و یا ظهور حضرت مهدی عج. با وجود این، برخی محققان اعجاز عددی پس از رخدادهایی در گذشته دست به کار شده و با استفاده از آیات قرآن با هر دستاویزی، در پی اثبات پیش بینی رخدادها از راه قرآن برآمده اند؛ مانند ماجرای یازده سپتامبر آمریکا و ... که

اصرار دارند نشانه‌های آن در قرآن آمده است. به نظر می‌رسد ادعای چنین برداشت‌ها و خیالبافی‌هایی و نتایج نادرست آن، نه تنها به معرفی بهتر قرآن کمک نمی‌کند، بلکه سبب می‌شود غیرمسلمانان در قرآن شک کرده و برداشت‌های متفاوت را دلیل بر ضعف قرآن بدانند. افزون‌براین، بیان کردن این موارد نشان می‌دهد که برخی محققان، هنوز معنای اعجاز عددی را درک نکرده‌اند. اینان تنها در کلمات خاص موشکافی می‌کنند، به قاعده و قوانینی پایبند نیستند و آنچه را مدنظر آن‌ها بوده است، بررسی کرده‌اند تا نتایج دلخواه خود را اثبات کنند. در ادامه ضمن اشاره به برخی از این موارد، با دلایل عقلی و نقلی به نقد آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۸-۱. مدت زمان دعوت حضرت نوح علیه السلام

عاطف علی صلیبی در کتاب *اسرع الحاسین*، با توجه به آیه «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ الْفَ سَنَةً إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ» (عنکبوت: ۱۴)، مدت پیامبری حضرت نوح علیه السلام را تنها هفده سال می‌داند و ۹۵۰ سال را نمی‌پذیرد. به باور او، حرف «فاء» قبل و بعد از آنچه درباره عمر دعوت نوح گفته می‌شود آمده است. این «فاء» بر سرعت و تعقیب دلالت می‌کند و پس از بیان سن دعوت نوح، «فاء» دیگری آمده و این دو «فاء» دلیل بر سرعت کار است و عدد ۹۵۰ سال با آن ناسازگار است. پس از «فاء» دوم بحث طوفان مطرح می‌شود؛ پس مدت دعوت حضرت نوح خیلی کوتاه بوده که این چنین مطرح شده است.

ایشان پس از بیان این دیدگاه، با روش‌های ویژه و حساب الجمل به این نتیجه می‌رسد که مدت زمان دعوت حضرت نوح علیه السلام هفده سال بوده است (صلیبی، ۲۰۰۱، ص ۲۶۹). ناگفته نماند نویسنده *اسرع الحاسین* بر آن است که چون حضرت نوح علیه السلام در هنگام طوفان از کوه بالا رفت، پس توانایی انجام این کار را داشت؛ ولی در کهنسالی چنین کاری امکان‌پذیر نیست. البته با این استدلال و استناد به آیات «۴۳-۴۰» سوره هود و هم‌خوانی آن‌ها با آیه ۱۴ عنکبوت نتیجه می‌گیرد که حضرت در آن هنگام بین بیست الی چهل ساله بوده است. نقد: براساس نص صریح قرآن، حضرت نوح علیه السلام ۹۵۰ سال دعوت به یگانه پرستی می‌کرد.

هرچند سن زیاد آن حضرت با جنس سن امروز مقایسه پذیر نیست، کسی که ۹۵۰ سال دارد، پس دوران جوانی او نیز بیش از آن چیزی است که ما تصور می‌کنیم. نویسنده از حساب الجمل کلمه نوح و تعداد تکرار آن در سوره عنکبوت و حروف این کلمات در این سوره استفاده کرده و با به‌کارگیری روش‌های بسیار پیچیده، جمع و تفریق، ضرب و برعکس کردن اعداد و غیره، به نتیجه دلخواه می‌رسد که پذیرفتنی نیست. چگونه می‌شود نص صریح قرآن را به کناری وانهاد و برای رسیدن به نتیجه دلخواه به تأویل آیات روی آورد.

۱-۸-۲. سوره کهف، قلب قرآن

پژوهشگران طرفدار اعجاز عددی قرآن، در تحقیقات خود با شمارش حروف و کلمات قرآن به این نتیجه رسیده بودند که سوره کهف، قلب قرآن است. به‌باور ایشان، آیه ۱۸ سوره کهف که با رقم ترتیب سوره کهف، یعنی ۱۸ مطابقت دارد، قلب قرآن است؛ زیرا تعداد حروف قبل و بعد این آیه در قرآن مساوی است و لفظ «كَلْبُهُمْ» در این آیه تنها یک‌بار به کار رفته است و کلمات «قلبه» و «کلبهم» بر یک وزن هستند و تنها در یک حرف اختلاف دارند و این را دلیلی قرار داده‌اند که «کلبهم»، وسط قرآن است.

نقد: اولاً، بیشتر پژوهشگران برآنند که حرف وسط قرآن، حرف «ن» در «نکراً» (کهف: ۷۴) یا «فاء» در «ولیتلطف» (کهف: ۱۹) است؛ ثانیاً، لفظ «کلب» بدون ضمیر «هم» در جای دیگر قرآن هم کاربرد داشته است، مانند «فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ» (اعراف: ۱۷۶)؛ ثالثاً، توهم دیگر اینکه چون «کلب» و «قلب» بر یک وزن هستند، دلیل می‌شود که «کلب»، قلب قرآن باشد. آیا کلماتی مانند «صلب» و «سلب» و «جد» و «ید» نیز که بر یک وزن هستند، معانی مشابه می‌دهند؟ پس باید از طرح چنین استدلال‌های غیرمنطقی و غیرعقلانی خودداری کرد.

۱-۸-۳. انفجار برج دوقلوی نیویورک

در یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ با اصابت هواپیما به برج‌های تجاری معروف نیویورک آمریکا

انفجارهای بزرگی رخ داد. گروهی از پژوهشگران اعجاز عددی قرآن می گویند، نشانه‌هایی از این تاریخ در قرآن پیشگویی شده بود. تاریخ انفجار، یازده سپتامبر بود که تاریخ ماه آن عدد ۹، تعداد طبقات برج ۱۰۹، عدد ۱۱ به جزء یازده قرآن اشاره داشته است. همچنین عدد ۱۰۹ به آیه ۱۰۹ سوره توبه اشاره دارد. البته تعداد کلمات قرآن تا آیه ۱۰۹ توبه، عدد ۲۰۰۱ است که اشاره به سال انفجار دارد.

باتوجه به کلمه «جرف هار» در آیه پیش گفته، این انفجار در خیابان «حرف هیر» نیویورک رخ داده است. از کنار هم قرار دادن این اعداد و ارقام نتیجه می‌گیریم که قرآن به تاریخ، زمان و مکان انفجار اشاره دارد (فقیه رضوان، ۲۰۰۲، ص ۱۲۳).

اشکال: اولاً، آیه درباره منافقان سازنده مسجد ضرار است؛ ثانیاً، تاریخ‌هایی که قرآن به آن اشاره داشته، همگی هجری قمری است و استخراج یک تاریخ میلادی در قرآن دارای اشکال است؛ ثالثاً، تقسیم قرآن به حزب و جزء یک کار اجتهادی پس از پیامبر اکرم ﷺ بوده است؛ باین حال چگونه عدد یازده را به جزء یازده قرآن نسبت می‌دهیم؟ رابعاً، در آیه ۱۰۹ سوره توبه اختلاف است که آیا این عدد مربوط به این آیه است یا خیر که براساس گفته دانشمندان جابه‌جایی دارد؛ خامساً، تعداد کلمات قرآن از آغاز آن تا این سوره بیش از ۲۰۰۱ کلمه است (شکری، ۲۰۰۷، ص ۱۴).

بنابراین، چنین برداشت می‌شود که همه این موارد به نوعی تکلف در بیان اعجاز عددی در قرآن اشاره دارد که پژوهشگران به آن دست زدند.

۱-۸-۴. مدت‌زمان خواب اصحاب کهف

عاطف علی صلیبی در کتاب *اسرع الحاسین* در تحقیقات خود با استفاده از روش‌های پیچیده، آیه ۲۵ سوره کهف درباره مدت‌زمان خواب اصحاب کهف را که ۳۰۹ سال است، نمی‌پذیرد و با استفاده از آیه بعدی که می‌فرماید: «قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا» (کهف: ۲۶)، مدت‌زمان این خواب را مشخص می‌کند و به عدد یازده دست می‌یابد و در سوره کهف رمزهای زیادی از

عدد یازده را بیان می کند و می گوید کدهای بسیار از عدد یازده در این سوره بیانگر این است که یازده سال خواب برای اصحاب کهف درست است و آن ها ۳۰۹ سال نخوابیده اند، بلکه تنها یازده سال خوابیدند (صلیبی، ۲۰۰۱، ص ۲۵۷). آیه دیگری که برخی از محققان، برای به دست آوردن مدت خواب اصحاب کهف به کار گرفته اند، آیه «فَضَرَبْنَا عَلٰی اِذَانِهِمْ فِی الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا» (کهف: ۱۱) است. به باور آن ها، شماره آیه یازده است که دال بر یازده سال خواب و تعداد کلمات آیه، هفت کلمه است و دلیل بر تعداد افراد حاضر در غار می باشد (شکری، ۲۰۰۷، ص ۲۲).

نقد: یکی از موارد آشکار در قرآن که به صورت عدد بیان شده است، مدت خواب اصحاب کهف است. خداوند یکتا این رقم را دقیق ذکر کرده و از بدیهیات است؛ ولی گویا عده ای به نام اعجاز عددی، با ابراز تردید در بدیهیات قرآن، تلاش کردند که نتایجی غیر از آنچه خداوند به صورت آشکار بیان فرموده است، به دست آورند. تأویل در آیات قرآن بدین صورت، هرگز پذیرفتنی نیست.

۱-۸-۵. تصرف اولیه کره ماه توسط انسان

از دیگر مواردی که از نتایج اعجاز عددی شمرده می شود و در حقیقت نوعی توهم به شمار می رود، زمان ورود انسان به کره ماه است. امروزه که چندین سال از زمان ورود انسان به کره ماه می گذرد، برخی پژوهشگران با به کارگیری روش های عجیب به محاسبات و استفاده از حساب الجمل به عدد مربوطه، یعنی سال ۱۳۸۵ق/ ۱۹۶۶م می رسند. آیه ای که این محاسبه براساس آن انجام شده، آیه ۱۹ سوره مبارکه انشقاق است: «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ».

حروف این آیه عبارت اند از: ل + ت + ر + ک + ب + ن + ط + ب + ق + ا + ع + ن + ط

+ ب + ق

حساب الجمل آن، عدد ۱۰۴۵ به دست می آید. مجموع کلمه قمر: ق + م + ر = ۱۰۰ + ۴۰

+ ۲۰۰ = ۳۴۰

مجموع آیه + مجموع کلمه قمر: $1045 + 340 = 1385$ ق که برابر با ۱۹۶۶ م است که سال گام نهادن انسان به ماه است (فقیه رضوان، ۲۰۰۲، ص ۱۱۰).
نقد: استفاده از هر ابزاری برای رسیدن به مقصود، خلاف آن چیزی است که موافقان بیان کرده‌اند. ملاک قرار دادن تاریخ میلادی در رسیدن به هدف خالی از اشکال نیست.

۱-۸-۶. احتساب تقویم شمسی به جای تقویم قمری در قرآن

گاهی پژوهشگران این حوزه، تاریخ و سال‌ها را به صورت میلادی یا شمسی از قرآن استخراج می‌کنند؛ در حالی که تاریخ، ذکر سال و ایام آن در قرآن به صورت هجری قمری است و قرآن کریم در آیاتی به ماه‌های قمری اشاره دارد؛ مانند «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ» (بقره: ۱۸۹)؛ از تو درباره هلال‌های ماه می‌پرسند، بگو برای آن است که مردم وقت کارهای خویش و زمان حج را بشناسند. و یا آیه «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ» (توبه: ۳۶)؛ شماره ماه‌ها در نزد خداوند که آسمان و زمین را آفریده، دوازده است؛ چهار ماه، ماه‌های حرام خواهند بود (ذی القعدة، ذی الحجه، محرم و رجب).

نتیجه

۱. قرآن کریم معجزه جاوید برای هدایت بشریت است. بنابراین، کتاب ریاضی و یا هر دانش دیگری نیست که بخواهیم همه مسائل و نظریه‌های جدید علمی را از آن استخراج کنیم و آیاتی همچون «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (انعام: ۵۹)، دلالت بر مسائل مربوط به هدایت و سعادت بشر دارد. از سویی، موافقان اعجاز عددی درنیافتند که قرآن عقل بشریت را مخاطب خود قرار داده و آن‌ها را به سیر آفاق و انفس فرا می‌خواند. قرآن کتاب بازی با اعداد نیست؛ گرچه ممکن است نتایج بررسی‌های آیات قرآن با برخی اعداد ریاضی هم‌خوان باشد.

۲. چون اعجاز عددی بر پایه عدد، شمارش حروف، کلمات و آیات قرآن بنا شده است، لازمه‌اش این است که اصول و پایه‌های آن ثابت و قطعی باشند تا نتایج درست و شمارش خالی از اشکال باشد؛ ولی اختلافات دانشمندان علوم قرآن در تعداد آیات، جایگاه شماره آیات، اختلاف در قرائت قرآن، اختلاف و تناقض در رسم‌الخط آن باعث پیدایش دیدگاه‌های گوناگون می‌شود که هر کدام برای اثبات دیدگاه‌های خود دلایل روایی دارند. بنابراین با سرفصل قرار دادن این دیدگاه‌ها، تکیه بر یک نوع قرائت و رسم‌الخط و ترتیب آیات درست نیست.
۳. با توجه به نتایج به‌دست آمده از پژوهش‌های اعجاز عددی می‌توان گفت نتایج آن‌ها در برخی موارد درست است و می‌توان از آن به‌عنوان شگفتی‌های قرآن یاد کرد. گفتنی است که این نتایج فراگیر نیست و همه قرآن را دربر نمی‌گیرد.
۴. بیان نتایج اشتباه، تکلف‌آمیز، غیرعلمی و مخالف با نص قرآن به‌واسطه اعجاز عددی، نه تنها بر عظمت اعجاز قرآن نمی‌افزاید، بلکه سبب تضعیف قرآن توسط شکاکان، مستشرقان و ملحدان می‌شود.
۵. به‌باور موافقان اعجاز عددی، دنیای معاصر، عصر علم و فناوری است و در نتیجه، باید همه علوم در جهت استخراج معارف و اثبات اعجاز قرآن به کار گرفته شوند، ولی خود آن‌ها با استناد به همین علوم به نتایجی دست یافتند که هیچ پایگاه علمی نداشته و دارای اشکالات فراوان است.
۶. گروهی از پژوهشگران با بیان تکلف‌آمیز و توهمی نتایج، زمینه‌ساز جریان تفسیر به‌رأی و تأویل آیات در این نوع اعجاز شدند که با اصل کار در تضاد است.
۷. در هیچ برهه زمانی، هیچ نوع حدیث و آیه قرآن در اشاره به اعجاز عددی یافت نشده است و عارفان و بزرگان دینی و علمی ما در سده‌های گذشته در این باره هیچ اثری در کتاب‌هایشان به‌جا نگذاشتند؛ در حالی که اگر چنین وجهی از اعجاز وجود داشت، بی‌شک به آن اشاره می‌شد.
۸. قرآن در پایان سوره کهف، مردم را از پی‌گیری جزئیات در این داستان منع می‌کند و از مردم انتظار دارد نتایج و هدف داستان را مدنظر قرار دهند؛ زیرا قرآن کتاب هدایت و

راهنمای بشریت به سرمنز کمال بوده و چنین پژوهش‌های ناقصی هیچ کمکی به هدایت بشر نمی‌کند و مخالف با مقاصد و اهداف عالی قرآنی است.

۹. بدیهی است هر نوع تغییر در تعداد حروف، کلمات، آیات و رسم‌الخط با آرای مختلف هیچ تأثیری در وجوه اعجاز قرآن، اعم از اعجاز بیانی، تشریحی و علمی ندارد، اگر هم داشته باشد، بسیار محدود و ناچیز است، ولی کوچک‌ترین تغییر در هر یک از موارد اختلافی، باعث به هم ریختن کل محاسبات و نتایج به دست آمده در اعجاز عددی می‌شود.

۱۰. در طول این پژوهش‌ها، برخی از دانشمندان این حوزه، قوانینی را وضع کردند و از دیگران خواستند به آن پایبند باشند، اما خود گاهی به این ضوابط پایبند نماندند و برای رسیدن به نتیجه دلخواه، به ایجاد تغییراتی در اصل کلمه یا انتخاب گزینشی کلمات و آیات و استفاده از قرائت‌های شاذ و روش‌های نادرست محاسبات و غیره روی آوردند.

منابع

۱. پهلوان، منصور و شفیعی، سعید، ۱۳۸۸، «نقد و بررسی اعجاز عددی قرآن کریم»، *دوفصلنامه پژوهش‌های قرآن و حدیث*، ش ۱، ص ۷۶-۵۷.
۲. جلغوم، عبدالله ابراهیم، ۱۹۹۴، *اسرار الترتیب القرآن الکریم*، لبنان، دارالفکر.
۳. حجتی، سید محمداقبر، ۱۳۸۹، *پژوهشی در تاریخ قرآن کریم*، چاپ بیست و نهم، تهران، چاپخانه دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴. خلیفه، رشاد، ۱۹۸۳، *معجزة القرآن الکریم*، بیروت، دارالعلم للملایین.
۵. دانی، ابو عمر، ۱۹۸۸، *البیان فی عدای القرآن*، تحقیق غانم قدوری، بغداد، دارالعلم.
۶. رازی، فخرالدین محمدبن عمر، ۱۴۲۰ق، *تفسیر مفاتیح الغیب*، لبنان، دار احیاء التراث العربی.
۷. رجیبی قدسی، محسن، ۱۳۹۸، *تاریخ کتابت و قرائت قرآن کریم*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. رجیبی قدسی، محسن و طباطبایی، سید کاظم، ۱۳۹۳، «بازخوانی روایات جمع قرآن بر پایه حدیث نزول قرآن بر هفت حرف»، *دوفصلنامه مطالعات فهم حدیث*، ش ۱، ص ۹۵-۶۳.
۹. روحانی، محمود، ۱۳۶۸، *المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم*، مشهد، انتشارات آستان قدس.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۱، *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*، چاپ سوم، بی‌جا، مبین.
۱۱. رفاعی، عدنان، ۲۰۰۰، *المعجزة نظریة قرآنیة فی الاعجاز القرآنی*، چاپ سوم، دمشق، دارالفکر.
۱۲. رومی، عبدالرحمن، ۲۰۱۰، *ضوابط الاعجاز العددی فی القرآن*، ارائه شده در کنفرانس عددی (مراکش).
۱۳. زرقانی، محمد عبدالعظیم، ۱۳۸۵، *الاتقان فی علوم القرآن*، ترجمه محسن آرمین، بی‌جا، بی‌نا.
۱۴. زرکشی، محمدبن عبدالله، ۱۹۹۰، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالمعرف.
۱۵. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، ۱۳۸۰، *الاتقان فی علوم القرآن*، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، تهران، امیرکبیر.
۱۶. شکری، احمد خالد، ۲۰۰۷، «مقولة الاعجاز العددی، دراسة النقدیة»، *المجلة الاردنیة فی الدراسات الاسلامیة*، ش ۳.
۱۷. صلیبی، عاطف علی، ۲۰۰۱، *اسرع الحاسبین*، دمشق، دار الشجرة.

۱۸. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۲، *تفسیرالمیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، دفتر نشر انتشارات اسلامی.
۱۹. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، ۱۳۷۸، *مجمع البیان*، ترجمه علی کرمی، بی جا، فراهانی.
۲۰. فقیه رضوان، ۲۰۰۲، *الکشف فی الاعجاز القرآنی و علم الحروف*، بیروت، دار المحجة البيضاء.
۲۱. کحیل، عبدالدائم، ۲۰۰۶، *اشراقات الاعجاز الرقیمی*، حمص، مكتبة مهارات للعلوم.
۲۲. کریمی نیا، محمد مهدی، ۱۳۹۰، «بررسی اعجاز عددی قرآن از نظر عبدالرزاق نوفل»، *دوفصلنامه قرآن و علم*، ش ۸.
۲۳. کسار، احمد قاسم، ۲۰۱۰، *منهجیه البحوث فی الاعجاز العددی للقرآن الکریم*، مالزی، جامعه مالایا مالزی.
۲۴. معرفت، محمد هادی، ۱۳۸۲، *تاریخ قرآن*، چاپ پنجم، تهران، سمت.
۲۵. معرفت، محمد هادی، ۱۴۱۵، *التمهید فی علوم القرآن*، چاپ دوم، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۲۶. میر محمدی زرنندی، سید ابوالفضل، ۱۳۷۶، *تاریخ و علوم قرآن*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.